

Subject: Negotiation Is Good—But Who Speaks for the Iranian People?

April 12, 2026

Dear Mr. President,

Your decision to pursue ceasefires and open negotiations with the Islamic Republic of Iran reflects prudence and strength. Diplomacy, when grounded in realism, can prevent unnecessary conflict. But there is a fundamental question that must be addressed before any agreement is reached:

****Who do the Iranian negotiators truly represent? ****

At this decisive moment, the United States is not merely negotiating with a government—it is, in effect, shaping the future of a nation. Any agreement reached today may define Iran’s trajectory for decades. Entering such an agreement without addressing the nature of representation in Iran risks repeating the strategic failure of the JCPOA.

The current Iranian negotiators operate under a constitution that does not derive its authority from the free will of the people. The system of **Velayat-e Faqih** centralizes power in an unelected ideological authority, structurally excluding genuine popular sovereignty. Within such a framework, no agreement—no matter how well-intentioned—can claim true national legitimacy.

This is not a theoretical concern. The past four decades have demonstrated a consistent pattern:

Economic relief and financial inflows do not reach the Iranian people. Instead, they reinforce a system sustained by poverty, corruption, and regional adventurism. Without structural change, any new agreement will follow the same path.

There is also a moral dimension that cannot be overlooked. American victims, Iranian protesters, and innocent civilians have all paid a heavy price. Any future framework must ensure that resources intended for Iran contribute directly to the well-being of its people—not to a governing structure that has repeatedly diverted national wealth.

****A strong deal requires a real partner—not negotiators who cannot speak for their own people.****

Therefore, one principle must guide U.S. policy at this critical juncture:

****No lasting agreement should proceed without a path toward genuine representation of the Iranian people.****

Such representation can only emerge through a ****Constitutional Assembly**** and the drafting of a new constitution grounded in popular sovereignty.

This is not a call for intervention, but for alignment with the fundamental American principle that governments derive their legitimacy from the consent of the governed.

This concern is increasingly echoed on the international stage. At the Munich Security Conference, a European Parliament member, Hana Newmann challenged self-proclaimed representatives (Reza Pahlavi and his friends) with a simple question: **“Whom do you represent? You do not represent Iran! Next year we hope those who are in prison to be here.”** The absence of a credible answer underscores the central issue.

Mr. President, a durable agreement requires a legitimate partner. Without addressing the question of representation, any deal risks becoming temporary, fragile, and ultimately ineffective.

History will remember whether this moment produced another short-term arrangement—or a foundation for lasting stability rooted in the will of the Iranian people.

Respectfully,

Sohrab Chamanara www.CyrusForce.org

ترجمه فارسی

موضوع: مذاکره خوب است — اما چه کسی از مردم ایران نمایندگی می‌کند؟

دوازدهم آوریل 2026

آقای رئیس‌جمهور،

تصمیم شما برای پیشبرد آتش بس و آغاز مذاکرات با جمهوری اسلامی ایران، نشان‌دهنده درایت و قدرت است. دیپلماسی، هنگامی که بر واقع‌گرایی استوار باشد، می‌تواند از درگیری‌های غیرضروری جلوگیری کند. اما پیش از دستیابی به هر توافقی، یک پرسش اساسی باید مطرح شود:

مذاکره‌کنندگان ایرانی واقعاً نماینده چه کسانی هستند؟

در این مقطع سرنوشت‌ساز، ایالات متحده صرفاً با یک دولت مذاکره نمی‌کند؛ بلکه در حال شکل دهی به آینده یک ملت است. هر توافقی که امروز حاصل شود، می‌تواند مسیر ایران را برای دهه‌ها تعیین کند. ورود به چنین توافقی بدون توجه به ماهیت نمایندگی در ایران، خطر تکرار شکست راهبردی (برجام) را به همراه دارد.

مذاکره‌کنندگان کنونی ایران تحت قانون اساسی‌ای عمل می‌کنند که مشروعیت خود را از اراده آزاد مردم نمی‌گیرد. نظام «ولایت فقیه» قدرت را در یک ساختار ایدئولوژیک غیرانتخابی متمرکز کرده و عملاً حاکمیت واقعی مردم را حذف می‌کند. در چنین چارچوبی، هیچ توافقی — حتی اگر در ظاهر اقتصادی یا صلح‌آمیز باشد — نمی‌تواند از مشروعیت ملی واقعی برخوردار باشد.

این فقط یک بحث نظری نیست. چهار دهه گذشته یک الگوی روشن را نشان می‌دهد:

منابع مالی و گشایش‌های اقتصادی به مردم ایران نمی‌رسد، بلکه ساختاری را تقویت می‌کند که بر پایه فقر، فساد و ماجراجویی منطقه‌ای بنا شده است. بدون تغییرات ساختاری، هر توافق جدید نیز همین مسیر را طی خواهد کرد.

یک بُعد اخلاقی نیز وجود دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. قربانیان آمریکایی، معترضان ایرانی و غیرنظامیان بی‌گناه همگی بهای سنگینی پرداخته‌اند. هر چارچوب آینده باید تضمین کند که منابع مربوط به ایران مستقیماً در خدمت رفاه مردم قرار گیرد — نه در اختیار ساختاری که بارها ثروت ملی را منحرف کرده است.

یک توافق قوی به یک طرف واقعی نیاز دارد — نه مذاکره کنندگانی که نمی‌توانند از مردم خود نمایندگی کنند.

بنابراین، یک اصل روشن باید راهنمای سیاست ایالات متحده در این مقطع حساس باشد:

هیچ توافق پایداری نباید بدون ایجاد مسیری به سوی نمایندگی واقعی مردم ایران پیش برود.

چنین نمایندگی‌ای تنها از طریق تشکیل «مجلس مؤسسان» و تدوین قانون اساسی جدیدی مبتنی بر حاکمیت مردم امکان‌پذیر است.

این درخواست، دعوت به مداخله نیست؛ بلکه هم‌راستا با اصل بنیادین آمریکایی است که مشروعیت حکومت‌ها را ناشی از رضایت مردم می‌داند.

این نگرانی در سطح بین‌المللی نیز در حال طرح است. در کنفرانس امنیتی مونیخ، یکی از اعضای پارلمان اروپا، هانا نیومن "مدعیان نمایندگی مردم ایران (رضا پهلوی و همراهان) را با یک پرسش ساده به چالش کشید: «شما نماینده چه کسانی هستید؟ شما نماینده ایران نیستید! سال آینده امیدواریم آنها که اکنون در زندان هستند اینجا باشند...» نبود پاسخ روشن، ماهیت مسئله را آشکار می‌کند.

آقای رئیس‌جمهور، یک توافق پایدار به یک طرف مشروع نیاز دارد. بدون حل مسئله نمایندگی، هر توافقی موقتی، (شکننده) و در نهایت ناکارآمد خواهد بود.

تاریخ قضاوت خواهد کرد که آیا این مقطع به یک توافق کوتاه مدت دیگر انجامید — یا به بنیانی برای ثبات پایدار مبتنی بر اراده مردم ایران.

با احترام،

سهراب چمن‌آرا